

# پژوهشهای حقوقی

علمی - ترویجی

شماره ۲۴

هزار و سیصد و نود و دو - نیمسال دوم

- ۶ • **داوری و حل و فصل مسالمت آمیز اختلافات بین المللی**  
سید جمال سیفی
- ۲۰ • **جنبه های حقوقی برنامه عمل مشترک ژنو میان ایران و گروه ۵+۱**  
نادر ساعد
- ۳۹ • **چالش های فراروی نقض موافقتنامه های سازمان جهانی تجارت**  
مجتبی مرّوت
- ۷۱ • **نگرشی بر مفاهیم عدالت و عدالت گرایی از دیدگاه مبانی الزام حقوق بین الملل**  
اکبر ادیبی
- ۱۲۵ • **ارزیابی نقض حقوق بشر در بحرین بر اساس هنجارهای حقوق بین الملل بشر**  
مهرداد محمدی
- ۱۶۲ • **تبیین مفهوم صدور و انتقال آلودگی در حقوق بین الملل**  
سید هادی پژومان
- ۱۹۸ • **بررسی تطبیقی مسؤولیت متصدی حمل و نقل در قبال خسارت به کالا**  
مهراسا محبی
- ۲۱۷ • **معرفی کتابخانه برخط (آنلاین) پژوهشکده حقوقی شهر دانش**  
الهام السادات الوانکار





[http://jlr.sdil.ac.ir/article\\_32711.html](http://jlr.sdil.ac.ir/article_32711.html)

مجله پژوهش‌های حقوقی (علمی - ترویجی)، شماره ۲۴، نیمسال دوم ۱۳۹۲  
صفحات ۶ الی ۱۹، تاریخ وصول: ۱۳۹۱/۵/۱۵، تاریخ پذیرش: ۱۳۹۱/۸/۱۲

## داوری و حل و فصل مسالمت آمیز اختلافات بین‌المللی

سید جمال سیفی\*

جناب رئیس، جناب آقای دبیرکل، وزرای محترم، عالیجنابان و سفرای گرانقدر؛ مایه افتخار من است که در مورد نقش داوری در حل و فصل مسالمت‌آمیز اختلافات بین‌المللی، سخن بگویم، موضوعی که به درستی در بند ۱ ماده ۳۳ منشور ملل متحد بیان شده و متن اعلامیه نهایی پیشنهادی این کنفرانس وزیران را تشکیل می‌دهد. متن مکتوب مقاله من در سه بخش ارائه می‌شود. ۱) جهانشمولی و استمرار مفهوم داوری؛ ۲) کنفرانس‌های ۱۸۹۹ و ۱۹۰۷ صلح لاهه به عنوان ابزار نهادین‌سازی داوری بین‌المللی و ۳) وضعیت جاری داوری در پرتو کامیابی‌ها و ناکامی‌های آن، از جمله

---

\* داور دیوان داوری دعاوی ایران- ایالات متحده؛ دانشیار دانشکده حقوق دانشگاه شهید بهشتی

Email: sjseifi@dpimail.net

مقاله حاضر متن بازنویسی شده سخنرانی نویسنده در کنفرانس وزیران راجع به حل و فصل مسالمت‌آمیز اختلافات است که در ۲۸ اوت ۲۰۱۳ در کاخ صلح در لاهه و به مناسبت صدمین سال افتتاح کاخ صلح ایراد شد. این کنفرانس به دعوت وزیر خارجه هلند و با حضور و مشارکت دبیرکل سازمان ملل متحد، رئیس دیوان بین‌المللی دادگستری، دبیرکل دیوان دائمی داوری، وزرای خارجه پانزده کشوری که قضات فعلی دیوان بین‌المللی دادگستری تابعیت آن‌ها را دارند، وزرای خارجه کشورهای عضو اتحادیه اروپا و سفرای خارجی مقیم هلند برگزار شد. این کنفرانس دارای سه هیأت بود، یعنی ۱) حل و فصل قضایی اختلافات، ۲) داوری و ۳) میانجیگری. تمامی سخنرانان در پایان سخنانشان بیانیه‌ای را به شرح زیر امضاء کردند:

«ما بدین وسیله همپیمانی خود را با این اندیشه که اطراف هر اختلافی که تداوم آن احتمال به خطر افکندن صلح و امنیت بین‌المللی را دارد، باید در وهله اول تلاش نمایند آن را از طریق مذاکره، تحقیق، میانجیگری، سازش، داوری، حل و فصل قضایی، توسل به ترتیبات یا سازمان‌های منطقه‌ای یا دیگر روش‌های مسالمت‌آمیز منتخب خویش حل و فصل کنند، اعلام می‌داریم.»

میزان متابعت از نتیجه داوری. لکن با توجه به حوصله این کنفرانس و محدودیت‌های زمانی آن مناسب می‌دانم تنها خلاصه‌ای از متن کتبی را در اینجا ارائه دهم.<sup>۱</sup> اما پیش از شروع سخنانم، مناسب می‌دانم که به بخشی از سخنانی که از سوی نماینده کشورم در کنفرانس لاهه ۱۹۰۷ ایراد شده است اشاره کنم. وی در سخنان خود به نیاز به تلاش‌های جمعی و تدریجی تمامی بازیگران اشاره می‌کند و اظهار می‌دارد که من هم یک قطعه سنگ برای این عمارت آورده‌ام، عمارتی که امروزه به کاخ صلح تبدیل شده است.

اظهارات وی به شرح زیر می‌باشد:

«ما در اینجا گردهم آمده‌ایم تا یکصدا، تعهد خود به آرمان داوری را اعلام نماییم. متأسفانه می‌دانیم که این آرمان بزرگ، امروز و فردا محقق نخواهد شد؛ اما این خود دلیلی دیگر بر آن است که مدافعان آرمان مزبور باید به طور مستمر به آن وفادار بمانند. برای من، همراه با احساسی آکنده از احترام و غرور است که به نام کشورم، قطعه سنگی برای بنای این عمارت تقدیم می‌دارم، عمارتی که پایه‌های آن توسط اسلاف ما کنده شده‌اند و اکنون تمام بشریت صرف‌نظر از کشور، قاره یا نژاد سپاسگزار آنانند. اکنون، ساختن تدریجی آن بناست که باید وجهه همت ما قرار گیرد تا اخلاف ما بتوانند پایان یافتن غرور انگیز آن را جشن بگیرند.»<sup>۲</sup>

### ۱- جهانشمولی و استمرار مفهوم داوری

تردیدی نیست که ایده داوری به عنوان ابزار مهم حل و فصل مسالمت‌آمیز اختلافات و تحقق عدالت، مفهومی جهانی و مستمر است که عمیقاً در تاریخ و فرهنگ اکثر تمدن‌ها ریشه دارد. سیسرون که مطالعات گسترده‌ای را در مورد مفاهیم عدالت جهانی و حکومت قانون میان ملل انجام داده است اظهار می‌دارد:

«ما باید ماهیت عدالت را شفاف سازیم و این امر باید از ماهیت انسان، استنباط شود. پس از آن ما باید قوانینی را که لازم است مورد متابعت دولت‌ها قرار گیرند بررسی کنیم و نهایتاً به قوانین و مصوباتی که مردمان جمع‌آوری و تدوین کرده‌اند بپردازیم.»<sup>۳</sup>

۱. این مقاله ترجمه فارسی از متن مکتوب انگلیسی است. از کمک‌های آقای دکتر کمال جوادی در تحقیق و تهیه این مقاله و آقای دکتر علیرضا ابراهیم‌گل در ترجمه آن به فارسی بی‌نهایت سپاسگزارم.

۲. اظهارات صمدخان ممتازالسلطنه. فرستاده فوق‌العاده و نماینده تام‌الاختیار ایران در:

Arthur Eyffinger, *The Hague Peace Conference, JudiCap, 2007, The Hague, p.102.*

۳. Cicero, *The Laws, Book 1, in The Republic and The Laws, translated by Nail Rudd, OUP, 2008, p.103.*

اثر لرد «ماستیل»، راجع به تاریخ داوری که یکی از منابع شناخته شده در داوری است، نشان می‌دهد که حتی تاریخچه آثار مکتوب به حداقل ۲۵۰۰ سال قبل بازمی‌گردد و اشکالی از حل و فصل مسالمت‌آمیز اختلافات توسط یک شخص ثالث بی‌طرف باید بسیار قدیمی‌تر از این باشد.<sup>۴</sup> در واقع گاهی اوقات گفته‌اند که ریشه‌های داوری به اسطوره‌های کهن از جمله حل و فصل اختلافات میان خدایان یونان قدیم باز می‌گردد. به همین ترتیب، روایت اساطیر مصر از داوری الهی اختلاف میان سز<sup>۵</sup> و اسیریس<sup>۶</sup> توسط تحوت<sup>۷</sup> (خدای حکمت و درایت - آنکس که با بی‌طرفی تصمیم می‌گیرد) حکایت دارد.<sup>۸</sup> هرودوت می‌نویسد که داریوش، شاه پارسیان، وظایفش را به عنوان داور انجام می‌داد همچنان که سولون<sup>۹</sup> و تمیستکلوس<sup>۱۰</sup> در دوره‌ای دیگر از تمدن یونان همین کار را انجام می‌دادند.<sup>۱۱</sup>

به علاوه لازم به تأکید است که در شریعت اسلامی، به ویژه در قرآن و سنت پیامبر، صریحاً یا ضمناً توسل به روش‌های حل و فصل مسالمت‌آمیز اختلافات از جمله داوری تشویق شده است. به عنوان مثال، قرآن کریم، طرفین را به استفاده از صلح برای حل و فصل اختلافاتشان تشویق می‌کند:

«بین آن‌ها صلح و سازش برقرار کنند و صلح، بهتر است.»<sup>۱۲</sup>

این اصل در احادیث نیز مورد تأیید قرار گرفته است:

«والاثرین صدقه نزد خداوند، صلح میان طرف‌هایی است که با یکدیگر در نزاع‌اند.»<sup>۱۳</sup>

نمونه‌هایی وجود دارد که در آن، پیامبر اسلام که اشتهار به صداقت و امانت داشت، به عنوان حکم (داور) عمل کرده و یا پیش و پس از بعثت، طرف داوری بوده است.<sup>۱۴</sup>

4. M. Mustill, *The History of International Commercial Arbitration: A Sketch*, in *The Leading Arbitrators' Guide to International Arbitration*, Juris publishing, 2004, p. 1.

5. Seth

6. Osiris

7. Thoth

8. G. Born, *International Arbitration*, Wolters Kluwer, 2011, p. 2.

9. Solon

10. Themistocles

11. A. Eyffinger, *op. cit.*, p. 24.

12. The Holy Quran 4: 128

13. "Hadith" reported from the Shiaah Sixth Imam, in M. Koleini, *Osul-e-Kafi*, Vol. 2, Islamiye, p. 209.

۱۴. یکی از مشهورترین نمونه دعای نقش پیامبر با عنوان داور پیش از بعثت مربوط به اختلافی بود که میان

شیوخ مکه راجع به گذاردن حجرالاسود در کعبه وجود داشت. نک:

A. Al-Ramahi, "Sulh: A Crucial Part of Islamic Arbitration", LSE Law, Society and Economy Working Papers 12/2008, p. 6.

نمونه دیگر استفاده از داوری در زمان پیامبر اسلام، شرطی است که در معاهده مدینه آمده بود. این معاهده نخستین معاهده‌ای بود که در سال ۶۲۲ میلادی میان جامعه مسلمانان و کفار و یهودیان منعقد شد و در آن مقرر می‌شود که اختلافات ناشی از آن معاهده از طریق داوری حل و فصل می‌شود.<sup>۱۵</sup>

تعجبی ندارد که جهانشمولی و استمرار مفهوم داوری، در چارچوب حفظ صلح بین‌المللی و با تأکید خاص بر جنبه‌های نهادین داوری بین‌المللی، در آثار هوگو گروسیوس، موسوم به پدر حقوق بین‌الملل معاصر نیز به چشم می‌خورد:

«دولت‌ها و پادشاهان مسیحی، برای احتراز از جنگ‌ها، ملتزم به این روش [داوری] هستند... بدین دلیل و سایر دلایل، بهتر است و در واقع تا حدی ضروری است که کنفرانس‌هایی از دولت‌های مسیحی برگزار شود که در آن، دولت‌هایی که ذینفع نیستند، اختلافات دیگران را حل و فصل کنند و در واقع تدابیری اتخاذ گردد تا طرفین ملزم شوند که صلح را بر اساس شرایطی عادلانه بپذیرند.»<sup>۱۶</sup>

## ۲- کنفرانس‌های صلح ۱۸۹۹ و ۱۹۰۷ و نهادهای سازی داوری بین‌المللی

زمان زیادی میان کار سیسرون و کنفرانس‌های صلح لاهه سپری گشت تا جهان قادر شد بنیان‌های حکومت قانون را در روابط بین‌المللی بنا نهاد. این گونه بود که لویی رنو در سخنرانی جایزه صلح نوبل خود در ۱۹۰۸ به درستی اینچنین گفت:

«به اعتقاد من، مشخصه بارز کار در لاهه، توسعه تدریجی مفهوم قانون در روابط میان مردمان و اگر به اختصار بگویم، سازماندهی حقوقی حیات بین‌المللی است.»<sup>۱۷</sup>

برقراری حکومت قانون در جامعه بین‌المللی، به ویژه در حوزه سیاست‌های مهم، همیشه با موانع ساختاری مواجه بوده است. حقوق بین‌الملل به عنوان یک نظم حقوقی افقی دولت‌ها را به پذیرش صلاحیت اجباری محاکم و دیوان‌های بین‌المللی ملزم نمی‌کند. حتی در دوره پس از منشور ملل متحد و ممنوعیت توسل به زور و علی‌رغم آنکه بند ۳ ماده ۲ منشور مقرر می‌کند که تمامی اعضا باید اختلافات بین‌المللی خود را از طریق روش‌های مسالمت‌آمیز و به گونه‌ای که صلح و امنیت بین‌المللی و عدالت به

15. F. Kutty, "The Shari'a Factor in International Commercial Arbitration", 1 *International Journal of Arab Arbitration*, 2009, p.82.

16. *De Jure belli ac pacis* (1625) II, ch. xxiii, para. 8, English translation by F.W. Kelsey et al., p.563 (Classics of International Law, 1925, 1964), cited in S. Rosenne, *The World Court: What it is and how it works*, fifth edition, 1995, p. 3.

17. Louis Renault, "Nobel Lecture: The Work at The Hague in 1899 and 1907", May 18, 1908, p.2 available at: [http://www.nobelprize.org/nobel\\_prizes/peace/laureates/1907/renault-lecture.html](http://www.nobelprize.org/nobel_prizes/peace/laureates/1907/renault-lecture.html).

خطر نیفتد حل و فصل کنند، صلاحیت قضایی و داوری، همچنان توافقی است. پروفیسور براونلی در این زمینه می‌نویسد:

«حل و فصل مسالمت‌آمیز، تنها روش موجود است. در عین حال، در حقوق بین‌الملل عام، هیچ تعهدی برای حل و فصل اختلافات وجود ندارد و پروسه‌های شکلی و حقوقی حل و فصل تابع توافق طرفین است.»<sup>۱۸</sup>

واضح است که فقدان اظهار نظری قاطع از سوی یک رکن غیر سیاسی حل و فصل اختلافات، مسلماً بر کارآمدی و ذی‌ربط بودن حقوق بین‌الملل تأثیر می‌گذارد. از این رو، یکی از اهداف کنفرانس‌های صلح ۱۸۹۹ و ۱۹۰۷ لاهه آن بود که این وضعیت را از طریق تسهیل توسل به داوری برای حل و فصل اختلافات بین‌الدولی، اصلاح کنند. شایان ذکر است که کنفرانس‌های مزبور در زمانی برگزار می‌شدند که استفاده از زور به موجب حقوق بین‌الملل منع نشده بود. در نتیجه هدف آن‌ها ارائه جایگزینی کارا برای توسل به زور در روابط بین‌المللی بود. ماده (۱) کنوانسیون ۱۸۹۹ لاهه راجع به حل و فصل مسالمت‌آمیز اختلافات بین‌المللی مقرر می‌کند:

«به منظور کاهش توسل به زور، تا سر حد امکان، در روابط میان دولت‌ها، دولت‌های امضاء کننده می‌پذیرند که تمام تلاش خویش را به کار ببندند تا اختلافات بین‌المللی را از طریق مسالمت‌آمیز حل و فصل کنند.»

کنفرانس‌های صلح لاهه همچنین، گام مهمی به سمت شناسایی تدریجی جهانشمولی حقوق بین‌الملل معاصر است. چین، ژاپن، مکزیک، ایران و سیام جزء ۲۶ دولتی بودند که هیأت‌هایی را به کنفرانس ۱۸۹۹ اعزام کردند. تعداد دولت‌هایی که در کنفرانس صلح ۱۹۰۷ شرکت کردند ۴۴ دولت بود و این شامل تمامی دول مهم از میان ۵۷ دولتی بود که مدعی حاکمیت بودند.<sup>۱۹</sup>

مهم‌ترین موفقیت کنفرانس صلح ۱۸۹۹ در زمینه حل و فصل مسالمت‌آمیز اختلافات میان دولت‌ها و شاید بتوان گفت مهم‌ترین موفقیت کنفرانس مزبور، تأسیس دیوان دائمی داوری بود.<sup>۲۰</sup> موفقیت دیگر، تدوین یک آیین داوری در انجام داوری‌های بین‌دولتی به شرح مذکور در مواد ۵۷-۳۰ کنوانسیون بود. تردیدی نیست که دیوان

18. Ian Brownlie, *Principles of Public International Law*, OUP, 7<sup>th</sup> edition 2008, p. 701.

19. A. Eyffinger, *op. cit.*, p. 83.

۲۰. در این خصوص، نک: کنوانسیون ۱۸۹۹ لاهه راجع به حل و فصل مسالمت‌آمیز اختلافات بین‌المللی، بخش

چهارم راجع به داوری بین‌المللی، فصل دوم راجع به دیوان دائمی داوری.

دائمی داوری، یک دادگاه نیست. با این وجود، تأسیس دیوان مزبور، گام مهمی برای تحقق رؤیای «حکومت قانون» بود. کنفرانس صلح ۱۸۹۹ لاهه موفقیت‌های بسیاری داشت. به ویژه ماده ۱۵ کنوانسیون، داوری بین‌المللی را به گونه‌ای تعریف کرد که هم ماهیت حقوقی و هم ماهیت توافقی آن را منعکس کند. ماده مزبور مقرر می‌دارد:

«هدف داوری بین‌المللی، حل و فصل اختلافات میان دولت‌ها از طریق قضات منتخب خویش و بر مبنای احترام به قانون است.»

من معتقدم که الف- انتخاب توسط طرفین و ب- احترام به قانون و در واقع حفظ توازن صحیح میان این دو مقوله، دو پایه اصلی داوری هستند که همچنان آن را به عنوان ابزاری سودمند و کارآمد برای حل و فصل مسالمت‌آمیز اختلافات بین‌المللی دارای اهمیت می‌کند.

به عنوان نمونه‌ای از استمرار اهمیت عبارت «بر مبنای احترام به قانون» که در کنوانسیون ۱۸۹۹ آمده بود می‌توان به ماده ۵ بیانیه حل و فصل دعاوی که دیوان داوری ایران- ایالات متحد را در چارچوب بیانیه‌های ۱۹ ژانویه ۱۹۸۱ الجزایر تأسیس کرد اشاره نمود که همین عبارت را به کار می‌برد تا بر ماهیت حقوقی فعالیت دیوان تأکید نماید.

در عین حال، نباید از نظر دور داشت که مفهوم حکومت قانون، مستلزم وجود قواعدی است که دارای محتوایی تثبیت شده و معین باشند. در آغاز قرن بیستم، حقوق بین‌الملل یک مجموعه توسعه یافته حقوقی نبود؛ بدین مفهوم که قواعد حقوق بین‌الملل معاهداتی نادر بودند و وجود و محتوای قواعد حقوق بین‌الملل عرفی نیز از وضوح و روشنی کافی برخوردار نبود. الیهو روت، برنده جایزه صلح نوبل ۱۹۱۲، در سخنرانی خود به هنگام دریافت جایزه صلح نوبل، این‌گونه به این چالش ماهوی پرداخت:

«در جایی که قانونی وجود نداشته باشد، ارجاع اختلافات به داوری یا رسیدگی قضایی، نه به معنای متابعت از حاکمیت قانون، بلکه به منزله به داوری بردن اختلافات به عقاید و نظریات ناشناخته یا باورهای انسان‌هایی است که از سوی طرفین برای تصمیم‌گیری انتخاب شده‌اند. از این رو، توسعه حل و فصل مسالمت‌آمیز اختلافات بین‌المللی از طریق تصمیم دیوان‌های بی‌طرف به توسعه حقوق بین‌الملل از طریق وضع قواعد پذیرفته شده و شناخته شده برای حاکمیت بر رفتارهای بین‌المللی بستگی

دارد.<sup>۲۱</sup>

در ماده ۱۶ کنوانسیون، دولت‌های امضاء کننده داوری را به عنوان «مؤثرترین و در عین حال منصفانه‌ترین روش حل و فصل اختلافاتی می‌داند که دیپلماسی قادر به حل آن‌ها نبوده است.» برای تضمین مؤثر بودن فرآیند داوری، ماده ۴۸ از جمله متضمن اصل صلاحیت در تعیین صلاحیت است که بر اساس آن دیوان داوری مجاز است صلاحیت خود را برای تفسیر توافقنامه داوری و دیگر معاهداتی که در یک قضیه مورد استناد قرار می‌گیرد و اعمال اصول حقوق بین‌الملل اعلام کند.<sup>۲۲</sup> به علاوه ماده ۵۴، اصل قطعیت آرا به عنوان اصل اساسی داوری بین‌المللی را بیان می‌کند و تأکید می‌کند که رأی «اختلاف را به صورت قطعی، خاتمه داده و تجدیدنظر از آن ممکن نیست.» همان‌گونه که در ابتدای این مقاله گفته شد، اینکه پروژه صلح لاهه، فرآیندی تدریجی از روشنگری فکری است از سوی هیأت ایرانی اعزامی به دومین کنفرانس صلح لاهه نیز تصدیق شد.

در واقع کنفرانس ۱۹۰۷ ایده‌هایی جاه‌طلبانه نظیر داوری الزام‌آور و تأسیس یک رکن قضایی دائمی بین‌المللی با قضاوت دائمی را مطرح کرد. به عنوان مثال سوئد از یک صلاحیت گسترده برای داوری الزام‌آور پشتیبانی می‌کرد که تمامی مسائل دارای ماهیت قضایی نظیر تفسیر معاهدات و دیگر مسائلی که منافع اساسی یک دولت، استقلال و حیثیت ملی را تحت تأثیر قرار نمی‌دهد در برگیرد و هلند تا آنجا پیش رفت که سودمندی استثنای «منافع اساسی» را زیر سوال برد.<sup>۲۳</sup>

در عین حال، نخستین نماینده بلژیک، آقای بیرنارت<sup>۲۴</sup> به دلیل اینکه دولت‌های حاکم تابع یک نظم هنجارین بالاتر نیستند با این تحولات نهادین و ماهوی پیشنهادی مخالفت کرد. او اظهار داشت:

«دولت‌های حاکم هیچ مافوقی را نمی‌پذیرند. این نتیجه ضروری حاکمیت آن‌هاست ... بنابراین دادگاه دائمی، دادگاهی از داوران خواهد بود و تنها در صورتی به یک اختلاف رسیدگی می‌کند که طرفین مشترکاً بر این امر توافق نمایند.»<sup>۲۴</sup>

در عین حال، اکثر هیأت‌های شرکت کننده موافق تأسیس یک رکن قضایی دائمی

21. Eliha Root, Nobel Lecture, available at: [http://www.nobelprize.org/nobel\\_prizes/peace/laureates/1912/root-lecture.html](http://www.nobelprize.org/nobel_prizes/peace/laureates/1912/root-lecture.html), cited in: R. Alford, "The Nobel Effect: Nobel Peace Prize Laureates as International Norm Entrepreneurs", 49 *Virginia Journal of International Law*, 2008, p.76.

22. A. Eyffinger, *op. cit.*, p. 121.

23. Mr. Beernaert

24. *Ibid.*, p. 122.



جدید بودند و کمیسیون اول کنفرانس به ریاست لئون بورژوا<sup>۲۵</sup> از فرانسه که مسؤول تهیه پیش‌نویس‌هایی برای اصلاح کنوانسیون ۱۸۹۹ بود، در آماده‌سازی پیش‌نویسی برای ایجاد یک دادگاه عدالت داوری در کنار دیوان دائمی داوری، پیشرفت قابل توجهی کرد.

با این وجود، اختلافات راجع به اینکه آیا قدرت‌های بزرگ باید در آن دادگاه، نمایندگان دائمی داشته باشند یا خیر، غیرقابل حل باقی ماند.<sup>۲۶</sup> در نتیجه، تحولات نهادین و ماهوی پیشنهادی به صورت تضعیف شده و در قالب توصیه‌نامه‌های منضم به سند پایانی کنفرانس نمود یافتند و از این‌رو، کنفرانس دوم صلح لاهه، تنها به اتخاذ کنوانسیون ۱۸۹۹ اصلاحی منجر شد. با این وجود، در ۱۹۲۰ و پس از تأسیس جامعه ملل و هنگامی که کمیته حقوقدانان کارش را بر اساس ماده ۱۴ میثاق برای تدوین اساسنامه دیوان دائمی دادگستری بین‌المللی آغاز کرد، مفاد پیش‌نویس ۱۹۰۷ را وارد اساسنامه دیوان کرد.<sup>۲۷</sup>

نهایتاً کنفرانس‌های صلح لاهه نتوانستند ایده‌های جاه‌طلبانه‌ای نظیر داوری الزام‌آور برای تمامی دولت‌های امضاء کننده را محقق کنند. و این امر همان‌گونه که نماینده بلژیک، آقای بیرنارت اظهار داشت از آن رو بود که «دولت‌های حاکم حاضر به پذیرش قدرتی مافوق خود نیستند.» بدین ترتیب، عدم تمایل یا ناتوانی در ارجاع تمامی موضوعات، از جمله اختلافات مهم بین‌المللی، به داوری یا رسیدگی قضایی بین‌المللی، محدودیتی است که حتی تا امروز هم تداوم دارد.

### ۳- وضعیت کنونی داوری بین‌المللی: کامیابی‌ها و ناکامی‌ها

دیوان دائمی داوری در چند دهه آغاز فعالیت خود، توانست جایگاه خود را به عنوان یک رکن قضایی بین‌المللی مورد اعتماد تثبیت نماید و بیست قضیه نزد آن ثبت شد. در عین حال پس از تأسیس دیوان دائمی دادگستری بین‌المللی، تمرکز مسیر رسیدگی‌های بین‌الدولی تدریجاً از دیوان دائمی داوری فاصله گرفت. در واقع در طی ۱۸ سال حیات مؤثر خود یعنی از ۱۹۲۲ تا شروع جنگ جهانی دوم، ۳۸ قضیه ترافیعی به دیوان دائمی دادگستری بین‌المللی ارجاع شد.<sup>۲۸</sup> تعجبی ندارد که دیوان دائمی داوری فعالیت داوری

25. Ibid.

26. Ibid, p. 125.

27. Rosenne, *op. cit.*, p. 14.

28. Ibid, p. 16.

محدودی را تجربه کرد که پیش از نیم قرن به طول انجامید. لازم به ذکر است که پس از رأی نهایی در قضایای آفریقای جنوب غربی و به ویژه در دهه ۱۹۷۰ و نیمه اول دهه ۱۹۸۰ میلادی دیوان بین‌المللی دادگستری نیز دوره فعالیت قضایی محدودی را تجربه کرد. در عین حال، پایان جنگ سرد به افزایش شدید در تعداد قضایایی که نزد ارکان قضایی و داوری بین‌المللی از جمله دیوان دائمی داوری مطرح شدند منجر شد. به ویژه، پذیرش گسترده معاهدات دوجانبه سرمایه‌گذاری و اسناد بین‌المللی مشابه نظیر معاهده منشور انرژی و فصل یازدهم قرارداد نفتا، به افزایش بی‌سابقه‌ای در رسیدگی‌های داوری انجامیده است.

جهانشمولی داوری بین‌المللی، البته در چارچوب مجموعه‌ای از اصول پذیرفته شده بین‌المللی، به هیچ وجه با تنوع آن ناسازگار نیست. علی‌رغم برخی نقدها که تا اندازه‌ای هم، صحیح به نظر می‌رسند، امروزه داوری بین‌المللی، جذابیت‌های زیادی برای مراجعان خود دارد. یک دلیل بارز در تأیید این ادعا، روند رو به تزاید پذیرش تعهد حقوقی به داوری است یعنی درج شروط داوری در قراردادهای و معاهدات از جمله انعقاد بسیاری از معاهدات دوجانبه سرمایه‌گذاری و همچنین افزایش واقعی در تعداد قضایایی که به مؤسسات مهم داوری ارجاع شده است. دیوان دائمی داوری نیز از این امر مستثنا نیست و همگان می‌دانند که تعداد قضایایی که در طی بیست سال گذشته به دیوان دائمی داوری ارجاع شده است به طرز قابل توجهی افزایش یافته است. سایر مؤسسات داوری نیز دارای همین وضعیت هستند، مراکزی شامل مرکز داوری و حل و فصل اختلافات ناشی از سرمایه‌گذاری، دادگاه داوری بین‌المللی لندن، دادگاه داوری اتاق بازرگانی بین‌المللی که درصد بالایی از دعاویشان را دعاوی تشکیل می‌دهد که یک طرف آن‌ها، دولت‌ها هستند و به همین ترتیب حجم بالای قضایایی که به رکن حل و فصل اختلافات سازمان تجارت جهانی ارجاع شده‌اند.

من بر این باورم که منشأ بخش مهمی از این جذابیت، مفهوم «حاکمیت اراده طرفین و حق انتخاب آنان» است، که یکی از پایه‌های اصلی داوری بین‌المللی محسوب می‌شود. همین مفهوم است که مبنای تنوع و رقابت است و از متمرکز شدن داوری در یک دیوان سالاری واحد ثابت جلوگیری می‌کند. به ویژه این مفهوم، مبنای تنوع در ترکیب دیوان‌های داوری و انتخاب مؤسسات داوری است. اساساً این ویژگی می‌تواند شکلی از تکثر و دموکراسی را که ضرورتاً در حل و فصل قضایی اختلافات وجود ندارد، به مفهوم داوری تزریق کند. این ویژگی مبنایی است برای:

الف) تنوع بخشیدن به تعداد و پیش‌زمینه اشخاصی که قادرند به عنوان داور عمل کنند؛

ب) فراهم آوردن امکان حضور طرفین در داوری به شکلی که خود آزادانه داوران را با ملحوظ نظر قرار دادن تخصص آن‌ها انتخاب می‌کنند؛

پ) فراهم آوردن مبنایی برای تغییر آیین‌های رسیدگی به منظور تطابق بیشتر با اوضاع و احوال قضیه و طرفین.

این ویژگی امکان تزریق مهارت و کارشناسی لازم به رکن تصمیم‌گیرنده در داوری را فراهم نموده و همچنین تنوع در پیشینه و فرهنگ حقوقی تصمیم‌گیرندگان را ممکن می‌سازد که این مزیتی است که ضرورتاً در تمام سیستم‌های متمرکز حل و فصل اختلافات بین‌المللی وجود ندارد.<sup>۲۹</sup> به عبارت دیگر، طرفین قادرند میزانی از تخصص را که متناسب با ماهیت و پیچیدگی اختلاف آن‌هاست برای هیأت داوری فراهم نمایند. نهایتاً، تنوع و رقابت ارائه‌کنندگان خدمات داوری این امکان را فراهم می‌سازد که ارائه‌دهندگان خدمات خود را ارزیابی کرده و آن‌ها را متناسب با نیازهای کاربران خود، تغییر داده و در عین حال کاربران نیز گزینه‌های متعددی در اختیار داشته باشند.

شایان ذکر است که اکنون میان سازوکارهای داوری گوناگون در خصوص عناصر اساسی فرآیند داوری نظیر اصل صلاحیت، احراز صلاحیت، رعایت تشریفات مقتضی رسیدگی، استقلال و بی‌طرفی تمامی داوران، تعهدات طرفین به پیروی از آیین‌های رسیدگی، ویژگی الزام‌آور رأی داوری و قطعیت آن، همگرایی قابل توجهی وجه دارد. این علامت خوبی است که تنوع فوق‌الذکر ضرورتاً به ناسازگاری و پراکندگی این اصول اساسی منجر نشده است.

در مورد نگرش دولت‌ها به دیوان بین‌المللی دادگستری و به طور کلی به حل و فصل قضایی اختلافات، روزن خاطر نشان می‌سازد که در واقع ملاحظه اصلی ذی‌ربط بودن و مؤثر بودن حقوق بین‌الملل در تنظیم رفتار دولت‌هاست:

«آزمون واقعی در تمایل آن‌ها به طور کلی به این است که اجازه دهند قانون، بخش مهم و سازنده‌ای را در روابط بین‌المللی آن‌ها اشغال کند. نگرش دولت‌ها به دیوان،

۲۹. در این ارتباط اشاره به ماده ۹ اساسنامه دیوان بین‌المللی دادگستری در مورد انتخاب قضات دیوان ضروری است که مقرر می‌دارد انتخاب‌کنندگان باید در نظر داشته باشند که اشخاصی که برای عضویت در دیوان تعیین می‌شوند، نه فقط باید شخصاً دارای شرایط مقرر باشند، بلکه باید مجموعاً بتوانند نماینده اقسام اصلی تمدن و مهم‌ترین نظام‌های حقوقی جهان نیز باشند.

تبلور نگرش اساسی‌تر آن‌ها و احترام واقعی آن‌ها به حقوق بین‌الملل است.<sup>۳۰</sup>

نمونه بارز یک سازوکار مستقل حل و فصل اختلافات که در آن طرفین تعهدات الزام‌آوری را برای حاکمیت قواعد حقوق بین‌الملل پذیرفته‌اند، ایجاد دیوان داوری دعاوی ایران-ایالات متحد در سال ۱۹۸۱ می‌باشد. ایجاد این دیوان، امکان حل و فصل مسالمت‌آمیز اختلافات میان ایران و ایالات متحد از طریق داوری را ممکن ساخت و از تشدید اختلافات میان آن‌ها در آن زمان جلوگیری کرد. اکثر تقریباً ۴۰۰۰ دعاوی کوچک و بزرگی که به دیوان ارجاع شد، اکنون حل و فصل شده یا دیوان در مورد آن‌ها اتخاذ تصمیم کرده است. به عنوان یک مرجع موجود، می‌توان اختیارات و ماموریت‌های اولیه دیوان را تغییر داد تا بتواند برای حل و فصل دیگر مسائل حقوقی جاری فی‌مابین طرفین نیز به کار گرفته شود.

از جمله ویژگی‌های بارز این دیوان می‌توان به مقوله قابلیت اجرایی آرای صادره دیوان در محاکم طرفین اشاره کرد.<sup>۳۱</sup> این مقررره تا حدی مشابه سازوکار اجرایی کنوانسیون ۱۹۶۵ واشنگتن (ایکسید) است.<sup>۳۲</sup> ماده ۵۴ کنوانسیون مزبور دولت‌های متعاقد را ملزم می‌نماید که رأی صادره بر اساس کنوانسیون را همانند رأی قطعی صادره از سوی محاکم خود تلقی کنند. در عین حال لازم به ذکر است که تعهد یکجانبه ایران به تضمین اجرای اتوماتیک آرای دیوان که علیه آن دولت صادر می‌شود<sup>۳۳</sup> از ماده ۵۴ کنوانسیون ایکسید نیز فراتر می‌رود و توازنی بین طرفین از این حیث قائل نمی‌شود و به این جهت آرای صادره علیه دو دولت از سرنوشت متفاوتی پیروی می‌کند.<sup>۳۴</sup> گرچه این مقررره باید در چارچوب شرایط استثنایی خاص آن و شبکه‌ای از تعهدات متقابل و مرتبط با یکدیگر<sup>۳۵</sup> دو کشور نگرسته شود که در آن ایالات متحد نیز تعهدات یکجانبه‌ای را پذیرفته است.<sup>۳۶</sup> با این وجود مرجح است که در داوری‌های بین‌الدولی

30. Shabati Rosenne, *The Law and Practice of the International Court*, second edition, 1985, Martinus Nijhoff Publishers, p.102.

31. Article IV(3) of the Claims Settlement Declaration (CSD).

32. See generally, Jamal Seifi, "State Responsibility for Failure to Enforce Iran-United States Claims Tribunal Awards", *Journal of International Arbitration*, Vol. 16 (1999), No. 3, pp. 5-27.

33. Paragraph 7 of the General Declaration (GD).

34. See generally, Jamal Seifi, *Procedural Remedies Against Awards of the Iran-United States Claims Tribunal*, *Arbitration International*, Vol. 8 (1992), No. 1, pp. 41-72.

۳۵. مقدمه بیانیه عمومی در بخش ذی‌ربط مقرر می‌کند:

بر مبنای پذیرش رسمی دریافت شده از سوی ایالات متحد و ایران، دولت الجزایر اکنون اعلام می‌کند که دو دولت مزبور تعهدات متقابل ذیل را پذیرفته‌اند.

۳۶. نک: بند یک بیانیه کلی که در آن ایالات متحد پذیرفته است که در امور داخلی ایران دخالت ننماید.

آینده، طرفین تضمین‌های متقابلی را برای اجرای آرای داوری پیش‌بینی کنند.<sup>۳۷</sup> به طور کلی در غیاب یک سازوکار اجرایی متمرکز و تعهدی برای خود محدودسازی، حاکمیت، همیشه یک عامل ذی‌ربط تلقی می‌شود. با لحاظ این عامل محدود کننده، برای نظارت بر اجرای آرای داوری، ماده ۲۲ کنوانسیون ۱۸۹۹ و ماده ۴۳ کنوانسیون ۱۹۰۷، تعهد به گزارش‌دهی را بر طرفین داوری تحمیل می‌نمایند که بر اساس آن طرفین متعهد ملزم می‌شوند «قوانین، مقررات و اسنادی را که نشان‌دهنده اجرای آرای صادره از دیوان است را به دفتر دیوان گزارش دهند». احیای مجدد این سازوکار در بند هفتم ماده ۳۴ قواعد ۲۰۱۲ دیوان دائمی داوری که بنده افتخار عضویت در کمیته تدوین آن را داشتم، تحول مطلوبی است. گرچه نباید از نظر دور داشت که این امر هم محدودیت‌های خاص خود را دارد. به عنوان مثال، خودداری آرژانتین از اجرای تعدادی از آرای داوری اخیر ایکسید از جمله آرای CMS Gas و Azurix بر مبنای تفسیر خاص این کشور از رابطه میان بند اول ماده ۵۳ و بند اول ماده ۵۴ کنوانسیون ایکسید بود. مسلم است که تعهد به گزارش، این مشکل که از اختلافی تفسیری ناشی می‌شود را حل نخواهند کرد.<sup>۳۸</sup>

از این حیث در قضیه انرون کمیته ابطال آرای ایکسید استدلال کرد که تفسیر آرژانتین مغایر بند ۱ ماده ۲۷ کنوانسیون ایکسید است. کمیته اشاره کرد که بند ۱ ماده ۲۷- مشعر بر اینکه در صورت عدم اجرای رأی توسط دولت خواننده سرمایه‌گذار می‌تواند درخواست حمایت دیپلماتیک از دولت متبوع خود بنماید- انعکاسی از بند ۱ ماده ۵۳ است:

«از بررسی توأم این مواد روشن است که عدم متابعت از رأی و عدم اجرای آن، به نحوی که در بند ۱ ماده ۵۳ مقرر است، ناقض کنوانسیون ایکسید است و دولت متبوع

۳۷. لازم به ذکر است که تصویب کنوانسیون نیویورک در سال ۲۰۰۲ و انعقاد بیش از ۵۰ مورد معاهده دوجانبه سرمایه‌گذاری نمونه‌های دیگری از تعهد ایران به داوری است. به ویژه دولت ایران در بسیاری از داوری‌های تجاری بین‌المللی یک طرف داوری بوده است. مستقل از قانون داوری تجاری بین‌المللی ۱۳۷۶، در حال حاضر پیش‌نویسی تحت نظارت مرکز داوری اتاق بازرگانی ایران تهیه شده است. قانون اخیر، قانون جامعی است که تمام قوانین داوری را تجمیع می‌کند و متضمن پذیرش اصول اساسی داوری نیز می‌باشد. قانون مزبور در جریان تسلیم به پارلمان است.

۳۸. شایان ذکر است که در تاریخ ۲۸ ماه مه سال ۲۰۱۲، ایالات متحد وضعیت تجاری ترجیحی آرژانتین به موجب سیستم تعرفه‌های ترجیحی Generalized System of Preferences (GSP) را به عنوان اقدامی تلافی‌جویانه، معلق کرد.

محکوم له را مجاز می‌سازد که حمایت دیپلماتیک اعمال و یا دعوی بین‌المللی اقامه نماید...»<sup>۳۹</sup>

کمیته ابطال نتیجه گرفت که به موجب تفسیر مبتنی بر حسن نیت بند ۱ ماده ۵۳ در صورتی که رأی ابطال نشده باشد تعهدی دائر بر متابعت از و اجرای رأی برای آرژانتین در مقابل ایالات متحد ایجاد می‌کند، بدون اینکه نیاز به این باشد که خواهان سازوکار اجرایی مقرر در حقوق داخلی آرژانتین را بر طبق بند ۱ ماده ۵۴ تعقیب نماید.<sup>۴۰</sup>

#### ۴- نتیجه

حاکمیت اراده طرفین و حق انتخاب آنان، در کنار اصل احترام به قانون، هنوز یکی از پایه‌های اصلی داوری بین‌المللی محسوب می‌شود. همین مفهوم مبنای تنوع، تخصص و تکثر در هیأت‌های مختلف داوری و مبنای تنوع در روش کار و آیین رسیدگی آن‌هاست و از متمرکز شدن داوری در یک دیوان‌سالاری واحد ثابت جلوگیری می‌کند. این امر به نوبه خود نوعی از تکثر و دموکراسی به داوری اعطاء می‌کند و آن را بیشتر مستعد حل و فصل مسالمت‌آمیز اختلافات بین‌المللی می‌سازد.

#### فهرست منابع

- Eyffinger, Arthur. *The Hague Peace Conference*. The Hague: JudiCap, 2007.
- Cicero, *The Laws, Book 1, in The Republic and The Laws*. Translated by Nail Rudd. US: OUP, 2008.
- Mustill, Michael John. "The History of International Commercial Arbitration: A Sketch." In *The Leading Arbitrators' Guide to International Arbitration*, Edited by Richard Hill, and Lawrence W. Newman, 1-30. NY: Juris Publishing, 2004.
- Born, Gary B. *International Arbitration: Law and Practice*, The Netherlands: Kluwer Law International, 2011.
- "Hadith" reported from the *Shiaah* Sixth Imam, in M. Koleini, *Osul-e-Kafi*, Vol. 2, Tehran: Islamiye, 1981.
- Al-Ramahi, A., "Sulh: A Crucial Part of Islamic Arbitration." *LSE Law, Society and Economy Working Papers* 12, London School of Economics and Political Science, Law Department (2008): 1-23.
- Kutty, Faisal. "The Shari'a Factor in International Commercial Arbitration." *International Journal of Arab Arbitration* 4 (2009): 63-112.
- Grotius, Hugo. *De Jure belli ac pacis* (1625) II, ch. xxiii, para. 8, English translation by F.W. Kelsey et al., (Classics of International Law, 1925, 1964), cited in S. Rosenne, *The World Court: What it is and how it works*, fifth edition, 1995.
- Renault, Louis. "Nobel Lecture: The Work at The Hague in 1899 and 1907." May 18, 1908, available at: [http://www.nobelprize.org/nobel\\_prizes/peace/laureates/1907/renault-lecture.html](http://www.nobelprize.org/nobel_prizes/peace/laureates/1907/renault-lecture.html).

39. *Enron Corp. Ponderosa Assets, L.P. v. Argentine Republic*, ICSID Case No. ARB/01/3 (Annulment), Decision on the Argentine Republic's Request for a Continued Stay of Enforcement of the Award, 7 October 2008, para. 65.

40. *Ibid.*, para. 69.

- Brownlie, Ian. *Principles of Public International Law*. 7<sup>th</sup> edition. US: OUP, 2008.
- Root, Eliha. Nobel Lecture, available at: [http://www.nobelprize.org/nobel\\_prizes/peace/laureates/1912/root-lecture.html](http://www.nobelprize.org/nobel_prizes/peace/laureates/1912/root-lecture.html), cited In: Roger P. Alford. "The Nobel Effect: Nobel Peace Prize Laureates as International Norm Entrepreneurs." *Virginia Journal of International Law* 49 (2008): 61-153.
- Rosenne, Shabati. *The Law and Practice of the International Court*. 2<sup>nd</sup> edition. The Netherlands: Martinus Nijhoff Publishers, 1985.
- Claims Settlement Declaration (CSD)
- Seifi, Jamal. "State Responsibility for Failure to Enforce Iran-United States Claims Tribunal Awards." *Journal of International Arbitration* 16:3 (1999): 5-27.
- General Declaration (GD)
- Seifi, Jamal. "Procedural Remedies Against Awards of the Iran-United States Claims Tribunal." *Arbitration International* 8: 1 (1992): 41-72.
- Enron Corp. Ponderosa Assets, L.P. v. Argentine Republic*, ICSID Case No. ARB/01/3 (Annulment), Decision on the Argentine Republic's Request for a Continued Stay of Enforcement of the Award, 7 October 2008.

## **ABSTRACTS**

### **Arbitration and the Peaceful Settlement of International Disputes**

*Seyed Jamal SEIFI (Ph.D.)*

Associate Professor of International Law: Shahid Beheshti University, Arbitrator of IUSCT

The idea of arbitration as an important tool of peaceful settlement of disputes and realization of justice is a universal and continuous notion and is deeply rooted in the history and cultures of most civilizations. Not surprisingly, the universality and continuity of the concept of arbitration, in the context of maintaining international peace and with particular emphasis on the institutional aspects of international arbitration. It is also worth pointing out that a considerable degree of convergence among various arbitral mechanisms as to the core elements of arbitral process such as the principle of competence-competence, observance of due process, independence and impartiality of all arbitrators, obligations of the parties to comply with the procedure, the binding nature of the award, and the finality of the award is noticeable.

**Keywords:** Arbitration, International Disputes, Award, Hague Peace Conferences, Justice, ICSID, Iran-United States Claims Tribunal



# Journal of **LEGAL RESEARCH**

**VOL. XII, No. 2**

**2013-2**

- Arbitration and the Peaceful Settlement of International Disputes  
Seyed Jamal SEIFI
- Legal Aspects of the Geneva Joint Plan of Action 2013  
Nader SAED
- Violation of the World Trade Organization's Agreements  
Mojtaba MOROVVAT
- The Attitude toward Justice and Justice-oriented Concepts  
from viewpoint of Foundations of International Law  
Akbar ADIBI
- Breaching Human Rights in Bahrain  
Mehrdad MOHAMMADI
- Explaining the Export and Transfer of Pollution in International law  
Seyed Hadi PAZHOUAN
- Liability of Carrier toward Goods under International Conventions  
Mehrasa MOHEBI
- Introduction to the Online Library of SDIL  
Elham Sadate ALVANKAR



**S. D. I. L.**

**The S.D. Institute of Law**  
Research & Study